

## در باره علی‌نامه

اکبر ایرانی

«حمسه» یکی از کهن‌ترین شیوه‌های بیان ادبی در تاریخ ادبیات جهان به شمار می‌آید و مهم‌ترین و کهن‌ترین نوشهای اعصار کهن در این گونه ادبی می‌گنجند. نمونه‌هایی چون مهابهارت در میان هندوان و بخش‌هایی از اوستا در میان ایرانیان و منظومه‌هایی چون ایلیاد و ادیسه در میان یونانیان جزو این گونه آثار شمرده می‌شوند. نگاهی به ساختار حمسه‌ها نشان می‌دهد که تقریباً در پس همه این آثار، اندیشه و هدفی نهفته است و این آثار در راستای تقویت همان اهداف پدید آمده‌اند. این هدفها معمولاً در دو قالب دینی و ملی می‌گنجند و به همین دلیل می‌توان حمسه‌ها را به دو گونه اصلی «حمسه دینی» و «حمسه ملی» بخش‌بندی کرد.

البته در این میانه، گونه‌های دیگری نیز وجود دارد که برخی از پژوهشگران آنها را جزو بخش‌بندیهای اصلی به شمار آورده‌اند؛ اما با تدقیق بیشتر می‌توان دریافت که آن گروهها نیز به گونه‌ای جزو یکی از دو گروه پیش‌گفته قرار می‌گیرند. برای نمونه دکتر ذیح اللہ صفا در حمسه‌سرایی در ایران «حمسه‌های تاریخی» را در کنار حمسه‌های دینی و ملی برشمرده و به صورت جداگانه بدانها پرداخته است، در حالی که همین آثار نیز جزو یکی از دو گروه پیش‌گفته قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

ازون بر این باید توجه داشت که «حمسه تاریخی» بیشتر در برابر «اسطوره» قرار می‌گیرد؛ یعنی آنجا که روایتها از شکل اسطوره بیرون آمده و جنبه تاریخی به خود گرفته‌اند، می‌توان از حمسه تاریخی سخن راند.<sup>۲</sup>

البته باید یادآور شویم که بخش‌بندی حمسه‌ها به «دینی» و «ملی» جنبه نسبی دارد چرا که در بسیاری از موارد، جنبه‌های ملی و دینی در کنار یکدیگر قرار

می‌گیرد و تفکیک آنها از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. مثلاً حمامهٔ یادگار زریران در عین اینکه دارای جنبهٔ ملی است، از جنبهٔ دینی نیز برخوردار است و دو جنبهٔ ملی و دینی در این اثر تفکیک‌ناپذیر است. همین‌گونه است حمامه‌های مذهبی شیعی که از دیرباز با مليت ایرانیان پیوند برقرار کرده است.

در بارهٔ پدید آمدن منظومه‌های حمامی در سرزمین ایران — علی‌رغم کارهای سودمندی که تاکنون انجام شده — هنوز به برسیهای بیشتر نیازمندیم و هرازگاه با پیدا شدن اثری جدید، نیاز به طبقه‌بندیهای دقیق‌تر در این زمینه احساس می‌شود. یکی از این آثار، منظومهٔ مورد گفتگوی ما یعنی علی‌نامه است.

از آثار بازمانده ادبیات فارسی می‌توان برداشت کرد که سرايش منظومه‌های حمامی از دده‌های پایانی سدهٔ چهارم هجری آغاز شده و تا پایان سدهٔ پنجم هجری به اوج خود رسیده است. آثار حمامی پدید آمده پس از این دوره از دیدگاه کیفی تنزل یافته و از دیدگاه کمی نیز برتری چندانی نسبت به آثار پدید آمده در سده‌های چهارم و پنجم هجری ندارد.

نکته‌ای که در این میانه جلب توجه می‌کند اینکه تنی چند از سرایندگان منظومه‌های حمامی، از اهل تشیع بوده یا دارای گرایشهای شیعی بوده‌اند. برای نمونه می‌توان از سرایندۀ طراز اول این گونه ادبی یعنی فردوسی یاد کرد که بنا بر تأیید عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب تقض (ص ۲۳۱) از سرایندگان شیعه بوده است. همچنین سرایندۀ دو منظومهٔ کوشش‌نامه و بهمن‌نامه یعنی ایرانشاه بن ابی‌الخیر رازی که برادر شهمردان بن ابی‌الخیر است و می‌دانیم که این دو برادر دارای گرایشهای شیعی بوده‌اند.<sup>۳</sup> برای شاهدی از این گرایش، می‌توان به بخشی از نزهت‌نامهٔ علائی (ص ۳۶۳-۳۶۷) شهمردان اشاره کرد که در آن به حکومتهای (= داوریهای) امیرالمؤمنین علی (ع) پرداخته و این امر را با این استدلال که برخی از آنها مرتبط با علم حساب است انجام داده، در حالی که چنین بخشی را برای هیچکدام از خلفای دیگر اختصاص نداده است. نکتهٔ جالب توجه اینکه به برخی از همین قضاوت‌های امام علی (ع) در متن علی‌نامه نیز اشاره شده است (نک: مقدمه دکتر شفیعی: بیست و شش).

آنچه تاکنون دربارهٔ حمامه‌های سدهٔ چهارم و پنجم هجری می‌دانستیم این بود که به دلیل دخالت‌های مغرضانه و ایران‌ستیزانه دستگاه خلافت عباسی و همچنین تسلط

دادن حکومتهای ترک — همچون غزنویان و سلجوقیان — بر این سرزمین، ایرانیان برای پشتیبانی از ملیت خود به بازآفرینی و احیای اسطوره‌های ملی پرداختند.

این موضوع برخلاف آنچه در برخی از منابع ذکر شده، تقابل چندانی با دین یا مذهب نداشته و بیشتر از جنبه ملی برخوردار است. قرینه‌اش اینکه در سده چهارم هجری در مقدمه شاهنامه‌ای منتشر که برای ابومنصور عبدالرازق طوسی — به سال ۳۴۶ق — تهیه شده بود، نسب‌نامه‌ای ساخته بودند که نسب او را به متوجه می‌رساند.<sup>۴</sup> جالب توجه اینکه تقریباً در همان دوره، نسب‌نامه مشابهی برای حکومت شیعی آل بویه (حکم ۴۴۸-۴۲۰ق) ترتیب داده بودند و ابوریحان بیرونی در آثار اپاقیه (ص ۴۴-۴۵، چاپ میراث مکتوب) هر دو را مورد انتقاد قرار داده است.<sup>۵</sup>

همچنین باید توجه داشت که سرایندگان منظومه‌های حمامی، در تدوین روایات ملی ایرانی در بسیاری از موارد، منابع دوره اسلامی را پایه آفرینش خود قرار داده‌اند. برای نمونه می‌بینیم که فردوسی در شاهنامه از اسکندر با ستایش یاد می‌کند در حالی که اسکندر در منابع پهلوی با لقب «گجسته» (ملعون) خوانده می‌شود.

به هر حال با پیدا شدن دستنویس حمامه علی‌نامه می‌توان با اطمینان بیشتری گفت که ایرانیان همزمان با پرداختن به حمامه‌های ملی، حمامه‌های دینی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند؛ متنها این رویکرد به حمامه‌های دینی به دلیل شرایط اجتماعی آن روزگار نمی‌توانست همانند حمامه‌های ملی به صورت آشکار رواج پیدا کند.

### زمینه اجتماعی برای پدید آمدن حمامه علی‌نامه

وجود فراز و نشیبهای فراوان در تاریخ تشیع ایران ممکن است برای آنها که با تاریخ تشیع آشنایی ندارند این ذهنیت را پدید آورد که خلق منظومه‌ای چون علی‌نامه در سالهای پایانی سده پنجم هجری دور از انتظار است؛ اما واکاوی منابع تاریخی نشان می‌دهد که تمایلات شیعی در آن دوره بهویژه در خراسان وجود داشته و حتی برخی از خاندانهای شیعی در این منطقه دارای وجهه اجتماعی و سیاسی بودند. در همین دوره است که شاهد نخستین تلاش‌های ایرانیان در ترویج نهج البلاغه در خراسان هستیم و افرادی چون ابویوسف یعقوب بن احمد نیشابوری (د ۴۷۴ق) حلقه‌هایی برای ترویج نهج البلاغه در خراسان پدید آورده‌اند.<sup>۶</sup>

با چنین زمینه اجتماعی دور از انتظار نیست که نخستین منظومه حماسی شیعی — که تاکنون شناخته‌ایم — در این دوره پدید آمده و به یکی از امیران متند شیعه خراسان یعنی امیر علی بن طاهر (د ۵۰۷ ق) پیشکش شود.<sup>۷</sup>

### جایگاه علی‌نامه در میان سروده‌های شیعی

در طول تاریخ ادبیات ایران افراد گوناگونی را می‌شناسیم که شیعه بوده یا به تشییع گرایش داشته‌اند. در این میان، برخی از سرایندگان — مانند فردوسی و سنایی — به دلایل اجتماعی نخواسته و یا نتوانسته‌اند گرایش‌های شیعی خود را به صورت آشکار در آثارشان منعکس کنند.

در کنار این افراد، سرایندگان دیگری را نیز سراغ داریم که به عنوان شاعران طراز اول روزگار خود به شمار آمده و در میان سروده‌های خود، شعرهایی را در منقبت امامان شیعه سروده و تمایلات شیعی خود را به صورت آشکار منعکس ساخته‌اند. از این میان می‌توان به سرایندگانی چون کسایی مروزی (زاده ۳۴۱ - زنده ۳۹۱ ق)<sup>۸</sup> و قوامی رازی (سده ششم) اشاره کرد. سروده‌های منقبت‌آمیز فقط بخشی از سروده‌های این سرایندگان را در بر می‌گیرد و این آثار نیز معمولاً در قالب قصاید یا غزلیات جلوه‌گر شده است.

در کنار این دو گروه، گروه دیگری از سرایندگان را می‌شناسیم که همه یا بخش اعظم سروده‌های آنان به ستایش از پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) اختصاص یافته است. در میان این سرایندگان، آنچه تاکنون در تاریخ ادبیات فارسی ثبت شده بود: یکی کمال‌الدین حسن کاشی (سده‌های ششم و هفتم هجری) بود که تقریباً همه آثارش در ستایش پیامبر و ائمه است. این آثار بیشتر در قالب قصیده، ترجیعات و غزل است.

اما در این میانه باید به ویژه از ابن‌حسام خوسفی (۸۷۵-۷۸۳ ق)<sup>۹</sup> یاد کرد. سروده‌های ابن‌حسام را می‌توان به دو بخش جداگانه تقسیم کرد: یک بخش شامل دیوان او است که بخش اعظم آن را مناقب یا مراثی ائمه شیعه تشکیل می‌دهد. بخش دیگر که در واقع یک منظومة بزرگ به شمار می‌آید، حماسه خاوران‌نامه (خاورنامه) است که تا چند دهه پیش از این، کهن‌ترین منظومه شیعی به شمار می‌آمد.

اینک با پیدا شدن منظومه علی‌نامه باید در تاریخ شعر شیعی بازبینیهای صورت گیرد. نخست اینکه سراینده علی‌نامه — یعنی «ربیع» — را باید نخستین سراینده شناخته‌شده‌ای دانست که اختصاصاً به سرایش شعر شیعی پرداخته است. دوم اینکه وی نخستین منظومه شناخته شده شیعی را پدید آورده است.

البته آنگونه که از کیفیت کار «ربیع» می‌توان استنتاج کرد، وی یک شاعر حرفه‌ای نبوده و لذا دیوانی از وی بر جای نمانده تا بدانیم تبحیر او در قالبهای دیگر شعری چگونه بوده است. منظومه علی‌نامه از دیدگاه شعری جزو آثار میانه به شمار می‌آید، اما چنانکه دکتر شفیعی نیز در مقدمه این چاپ یادآور شده‌اند، مواضع درخشنان نیز در اثر کم نیست. ضمن اینکه قرائتی از بی‌مبالغی کاتب در استنساخ نسخه دیده می‌شود که باید این مورد را از نقایصی دانست که از سوی کاتب به اثر وارد شده و چه‌بسا اصل اثر دارای این مشکلات نبوده باشد.

افزون بر اینها باید یادآور شویم که فارغ از شکل منظوم علی‌نامه، این اثر را می‌توان کهن‌ترین تک‌نگاری فارسی درباره نخستین امام شیعیان به شمار آورد و این نکته نیز از ویژگیهای منحصر به‌فرد حماسه علی‌نامه به شمار می‌آید.

خردورزی و ستایش از آرمانهای انسانی در حماسه‌های سده‌های چهارم و پنجم یکی از مهم‌ترین ویژگیهای حماسه‌های فارسی سده‌های چهارم و پنجم هجری، توجه بسیار به خردورزی، آزادیخواهی و همچنین بها دادن به روحیه سلحشوری است که ایرانیان در آن روزگار بدان نیاز داشتند. حماسه علی‌نامه نیز دقیقاً دارای همین ویژگی حماسه‌های سده‌های چهارم و پنجم — یعنی عصر خردورزی — است. ما این ویژگی را در بیشتر آثار آن دوره می‌یابیم، اما به دلیل ساختار ویژه حماسه‌ها و به خصوص شخصیت فردی فردوسی، می‌توان گفت که نمونه شاخص این روحيات در آثار ادبی این دوره شاهنامه فردوسی است.

البته هنگام داوری درباره حماسه‌های این دوره باید همه جوانب را در نظر گرفت و آنگاه از خردورزی سخن راند. برای نمونه در آثاری چون شاهنامه، عوامل خیالی همچون اژدها و دیو وجود دارد و این نکته بدان دلیل است که این‌گونه عناصر در ساختار بیشتر «اسطوره‌ها» وجود دارد و فردوسی در نظم شاهنامه به منابع اصلی خود — یعنی خداینامه‌ها — پای‌بند بوده و این‌گونه عناصر خیالی را از همان

افسانه‌ها در کار خود وارد کرده است. اما فردوسی در خلال همین افسانه‌ها بارها و بارها به ستایش خرد پرداخته و خواننده را به این نکته توجه داده است.

در بارهٔ علی‌نامه نیز باید گفت که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، دارا بودن همین بن‌مایهٔ خردورزی و آزادیخواهی است؛ به همین دلیل می‌بینیم که سراینده برای پرداختن به دورهٔ حکومت امام علی (ع) بیشتر روایت کنندهٔ تاریخ زندگی ایشان است و درواقع در کار خود به خلق یک حماسهٔ تاریخی می‌پردازد و کمتر به گرد افسانه‌پردازی رفته است.



شکل ۱

این ویژگی را ما در هیچ‌کدام از حماسه‌های شیعی پدید آمده در ادوار بعدی نمی‌بینیم. مثلاً در خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی به میزان زیادی با عوام‌زدگی

رویارویی هستیم و عناصر خیالی مانند اژدها و دیو در توصیف زندگی امام علی (ع) وارد شده است [نک: شکل ۱].<sup>۱۰</sup>

البته ابن‌حسام نیز در بخش‌های آغازین کار خود (تازیان‌نامه پارسی: ۴۹) به ستایش خرد پرداخته و سروده است:

خرد کار فرمای و اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن  
بیا تا به چشم خرد بنگریم که بر آفرینش به رفتت سریم

اما در عمل می‌بینیم که وی چندان پای‌بند این باور نیست و حتی برای شخصیت بزرگ تاریخی مانند امام علی (ع) افسانه‌پردازی‌هایی کرده که هرچند از دیدگاه نیت، قابل پذیرش است، از دیدگاه عقلی جایگاه چندان مقبولی ندارد.

سرایندهٔ علی‌نامه به دلیل پای‌بندی به خرد می‌داند که در پرداختن به زندگی شخصیتی تاریخی همچون امام علی (ع) نیازی به دست یا زیدن به دروغ نیست و گفتگو از منش ایشان بهترین راه برای ستایش است. شاید این خردورزی سرایندهٔ علی‌نامه با آشنایی وی با شاهنامه ارتباط مستقیمی نداشته باشد، چرا که خردورزی اصولاً از ویژگی‌های اجتماعی آن عصر بوده است.

حتی آنجا که ریبع به نقد شاهنامه می‌پردازد، سخن‌ش برو این امر استوار است که وی دربارهٔ یک شخصیت تاریخی گفتگو می‌کند، در حالی که اکثر شخصیتهاي شاهنامه را اشخاصی افسانه‌ای تشکیل می‌دهند. البته ریبع در کنار این نقد، به اهمیت شاهنامه نیز اذعان دارد، چرا که در غیر این صورت باید منکر خردورزی و آرمانهای انسانی مندرج در متن شاهنامه می‌بود.

### سبک و قالب شعری علی‌نامه

بحر متقارب به دلیل ساختاری که دارد، از دیرباز به عنوان وزن مخصوص حماسه‌ها توسط سراینده‌گان زبان فارسی به کار گرفته شده است. اینکه آین وزن نخستین بار در کدام منظومه حماسی به کار رفته، جای بررسی دارد، اما یقیناً می‌دانیم که این وزن پیش از فردوسی توسط دقیقی (در گذشته ۳۶۷-۳۷۰ ق) برای سروden هزار بیت درباره گشتاسپ و زردشت استفاده شده — که همان را فردوسی در شاهنامه وارد

کرده است — بنابراین دور از انتظار نیست که ریبع نیز در کار خود از وزن ویژه حمامه در زبان فارسی بهره بجوید.

مهم‌ترین و موفق‌ترین اثر حمامی که در بحر متقارب پدید آمده، شاهنامه فردوسی است و پس از وی تمام کسانی که در این حوزه قدم نهاده‌اند، شاهنامه را به عنوان الگوی کار خود پذیرفته‌اند. این موضوع در باره علی‌نامه نیز صدق می‌کند.

ریبع در آفرینش اثر خود از دیدگاه وزن و سبک به میزان زیادی تحت تأثیر شاهنامه است و فقط در انتخاب موضوع منظومه با فردوسی اختلاف نظر دارد. او در عین ستایش کار فردوسی، شاهنامه را افسانه می‌خواند و لذا موضوع اثرش را برتر از موضوع شاهنامه می‌داند. این موضوع، در عین اینکه می‌بین اختلاف نظر ریبع با فردوسی است، همانگونه نیز نشانگر اهمیت فردوسی و شاهنامه در نزد وی است؛ و گرنه می‌توانست خود و اثرش را با سرایندگان و آثار دیگر مقایسه کند.

### نسخه‌شناسی اثر

در باره علی‌نامه باید توجه داشت که نسخه‌شناسی این اثر، همپای متن‌شناسی آن اهمیت دارد. با توجه به اینکه این متن در سال ۴۸۲ ق سروده شده، ویژگی‌های زبانی و به خصوص واژه‌ها و تعبیرات ویژه آن دوره در متن منعکس شده و لذا هرچه زمان کتابت نسخه نسبت به زمان سرایش آن دورتر باشد، امکان ایجاد تغییرات و اشتباهات در آن بیشتر می‌شود.

چنانکه در «شکل ۲» دیده می‌شود، این دستنویس دارای صفحه انجامه است و کاتب به نام خود و بخشی از تاریخ (یعنی: پنجشنبه هفتم رمضان) اشاره کرده، ولی به سال کتابت اشاره‌ای نکرده است. انجامه نسخه چنین خوانده می‌شود: «تمّ الكتاب بعون ملک الوهّاب في يد العبد الضّعيف محمد بن مسعود المقدم التّستری في يوم الخميس سابع شهر رمضان ...»

بنابراین ما از سال کتابت نسخه آگاهی نداریم. از سویی با توجه به ویژگی گاهشماری دوره اسلامی نمی‌توان به سال کتابت نسخه پی برد؛ ضمن اینکه دکتر شفیعی نیز یادآور شده‌اند که بر مبنای جدولهای گاهشماری، حدود پانزده سال میان ۷۰۰ تا ۸۰۰ هجری، جمعه مصادف با اول رمضان و پنجشنبه برابر با هفتم رمضان

بوده است. بنابراین برای تخمین دوره کتابت نسخه می‌بایست حدود تقریبی آن را بر پایهٔ ویژگیهای نسخه‌شناسی به دست آوریم.



شکل ۲

جلد نسخه به احتمال بسیار، جلد اصلی نسخه است. این جلد بر خلاف جلد های پس از ۸۰۰ ق که نقشهای ترنج و سرترنج و لچکی را با قالبهای ویژه می‌ساختند، با ابزار ابتدایی ساخته شده است. چنانکه در «شکل ۳» می‌بینیم، برای ایجاد نقوش این جلد از دو نقش کوچک — یکی نیم‌دایره‌ای شکل و دیگری چلپایی — استفاده

شده و با ترکیب این نقشهای با یکدیگر، نقشهایی چون ترنج میانه جلد و لچکیهای گوشه‌ها را پدید آورده‌اند.



شکل ۳

چنانکه گفتیم، این شیوه حدوداً پس از ۸۰۰ ق در ایران و سرزمینهای همجوار دیگر از رواج افتاد و فقط در سرزمینهای غرب دنیای اسلام از شیوه کهن همچنان استفاده می‌شد. از آنجا که این اثر به زبان فارسی بوده و کاتب آن یک ایرانی (تُستری) است، گمان می‌رود که ساخت جلد در ایران انجام شده و لذا نمی‌تواند پس از سده هشتم هجری تولید شده باشد.

چنانکه در «شکل ۴» می‌بینیم، جدول‌کشی نسخه با دو خط سرخ‌رنگ انجام شده است. رواج این شیوه در نسخه‌های فارسی از حدود سده ششم هجری آغاز شده و در واقع، نخستین شیوه در جدول‌کشی نسخه‌های فارسی است. این شیوه تا پایان سده هشتم هجری در نسخه‌ها رواج داشت،<sup>۱۱</sup> ولی پس از این دوره، هم شماره

خطهای جدول افزایش یافت و هم در ترسیم آن از رنگهای دیگر استفاده می‌شد؛ بهویژه جدولهایی با دو خط سیاه که میانه آنها با خطی از زر محلول پوشیده شده بود (به اصطلاح: زرِ دو تحریر).



شکل ۴

علاوه بر این دو عامل، باید به خط نسخه نیز اشاره کرد. خط دستنویس علی نامه، نوعی ثلث متمایل به نسخ است که از سده ششم تا حدود نیمة سده هشتم هجری در نسخه‌های فارسی به کار می‌رفت.

با توجه به آنچه گفتیم، تاریخ کتابت نسخه قطعاً از سده هشتم هجری تازه‌تر نیست و اگر بخواهیم از روی تجربه سخن بگوییم، تولید این نسخه می‌بایست در

یکی دو دهه پایانی سده هفتم تا نیمة سده هشتم هجری — یعنی حدود ۶۸۰ تا ۷۵۰ — انجام شده باشد. به ویژه اگر این داوری بر مبنای شیوه خط نسخه باشد، می‌توان گفت که کتابت آن از سال ۷۵۰ ق قطعاً تازه‌تر نیست.

البته نسخه در سده‌های اخیر مرمت شده، منتها این مرمت به قصد زیباسازی و استحکام بیشتر نسخه بوده و با توجه به وضعیت عمومی نسخه — که حالت مطلوبی را نشان می‌دهد — بعید به نظر می‌رسد که نیاز چندانی به تجدید صحّافی می‌داشته است. مهم‌ترین نشانه مرمت نسخه در سده‌های اخیر، برگه‌ای است که بر آستر جلد — در هر دو دفه — چسبانیده شده است. داوری دقیق درباره این برگه نیازمند مشاهده نسخه از نزدیک است، اما ساختار آن — چنانکه در «شکل ۵» می‌بینیم — شبیه به شیوه‌ای است که در کتاب آرایی اسلامی با نام «عکاسی» خوانده می‌شود.



شکل ۵

در این شیوه، نقوشی را که مد نظر بود به وسیله نشگرده (تیغه‌های تیز) بر روی یک تکه مقوا می‌بریدند و سپس مقوا را بر روی کاغذ مورد نظر قرار داده و جاهای بریده

شده را — که از میانه خالی بود — رنگ می‌کردند و در نتیجه جای نقشها بر روی کاغذ باقی می‌ماند. این شیوه از حدود سده دهم هجری در کتاب‌آرایی رایج شد و لذا مرمت نسخه باید پس از این دوره انجام شده باشد. البته ممکن است که این برگه از نوع برگه‌های چاپی وارداتی اروپا باشد که در آن صورت، تاریخ مرمت نسخه باز هم جدیدتر خواهد بود. متأسفانه در مرمت نسخه آثاری از به کار بردن چسب‌های نواری نیز دیده می‌شود که آن هم مربوط به چند دهه اخیر است.

### پی‌نوشتها

۱. البته ایشان در آغاز کتاب (ص ۶۷) به این بخش‌بندی اشاره دارد، اما در متن کتاب به دلایلی حساسه‌های تاریخی را جدا از دو گونه دیگر برمی‌شمارد.
۲. این امر نیز با دوره پدید آمدن یک اسطوره ارتباط چندانی ندارد؛ چنانکه گاهی برای شخصیت‌های تاریخی که درباره آنها آگاهی کافی وجود دارد، باز هم به ساختن اسطوره پرداخته می‌شود.
۳. دکتر متینی در دیباچه کوش‌نامه (ص ۳۱) اشاره دارد که ایرانشان در آغاز بهمن‌نامه به ستایش امام علی «ع» پرداخته است، اما در آغاز کوش‌نامه چنین ابیاتی دیده نمی‌شود. با وجود این، قرائتی در دست است که نشانگر گرایش ایرانشان به تشیع است.
۴. نک : مقاله «مقدمه قدیم شاهنامه» به قلم محمد قروینی در: هزاره فردوسی: ۱۶۰.
۵. نیز نک: دایرة المعارف فارسی، ۱: ۲۰۱، ذیل «آل بویه».
۶. نک : مقاله «کهن‌ترین دستنویس البلغه»، علی صفری در گزارش میراث، شماره مسلسل ۳۵: ۳۵.
۷. نک : مقدمه دکتر شفیعی بر چاپ نسخه‌برگ‌دان: بیست و یک و بیست و دو.
۸. برای زندگی او نک: دیباچه دکتر ریاحی بر کسانی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او.
۹. برای سال ولادت او نک: دیوان محمدبن حسام خوسفی، مقدمه: ۱۲؛ و برای تاریخ درگذشتش نک: همان: چهل و شش.
۱۰. خاوران‌نامه [چاپ نسخه‌برگ‌دان]: ۹۸.
۱۱. البته این شیوه را به ندرت در نسخه‌های سده‌های بعدی نیز می‌بینیم.

### منابع

- تازیان نامه پارسی (خلاصه خاوران نامه)، به کوشش حمیدالله مرادی، تهران، ۱۳۸۲.
- دیوان قوامی رازی، به کوشش میرجلال الدین حسینی ارمومی، تهران، ۱۳۳۴.
- دیوان محمدبن حسام خوسفی، به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد، ۱۳۶۶.
- رازی، شهمردان ابن ابیالخیر، نزهت نامه علائی، به کوشش فرهنگ جهانپور، تهران، ۱۳۶۲.
- ریاحی، محمدامین، ۱۳۷۳، کسانی مروزی: زندگی، اندیشه و شعر او، ج ۵، تهران.
- هزاره فردوسی [مجموعه خطابه‌ها و مقالات]، تهران، ۱۳۶۲.

